

بیانیه سیاسی

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

مصوب گردهماآیی سراسری ششم

۱۹ تا ۲۱ فوریه ۲۰۱۶ - سی ام بهمن تا دوم اسفند ۱۳۹۴

نقض فاحش و مستمر حقوق بشر و پایمال شدن حقوق اساسی مردم ایران طی سال های اخیر شدت گرفته است. شمار اعدام ها در ایران در سال گذشته به نسبت سال ۲۰۱۴ بیش از ۴۰ درصد افزایش یافته است. جمهوری اسلامی از لحاظ سرانه اعدام در مقام نخست جهانی و به لحاظ شمار روزنامه نگاران زندانی در سومین مقام جهانی قرار دارد. بگیر و ببند فعالان مدنی و فشار بر زندانیان سیاسی به ویژه بعد از توافق هسته ای گسترش یافته و قوه قضائیه، خود به اصلی ترین عامل سرکوب بدل شده است. از آغاز کار دولت روحانی بیش از ۵۰ فعال رسانه ای در زندان به سر می برند. آزار پیروان اقلیت های مذهبی، بهائیان، مسیحیان، دراویش و اهل سنت، زیر سلطه استبداد مذهبی انحصارگر همچنان ادامه دارد.

برخلاف وعده های دروغین دولت جدید، هیچ بهبودی در دشواری های توانفرسای زندگی اکثریت بزرگ زحمتکشان و مزد و حقوق بگیران به بار نیامده است. این وضع اسفبار اقتصادی نتیجه استمرار سیاست های ضد و نقیض و ویرانگر دولت های حاکم در ایران و به ویژه میراث فاجعه بار و خسارت های جبران ناپذیر حکومت احمدی نژاد در سال های اخیر است. رکود، تورم، بیکاری، سقوط سطح زندگی و کاهش قدرت خرید اکثریت مردم، تعطیلی واحد های تولیدی، کسری بودجه و بدهی های هنگفت دولتی، فساد فراگیر و رانت خواری، شکست سیاست هدفمند سازی یارانه ها، اقتصاد انگلی مبتنی بر دلالی، گسترش شکاف های طبقاتی همچنان از ویژگی های بحران اقتصادی کشور است. بیکاری آشکار و پنهان نیروی فعال به مرز هشت میلیون و شمار فقرا و پابرهنگان حاشیه نشین به یازده میلیون نفر رسیده و در فاصله سال های ۸۲ تا ۹۱ دو برابر شده است. بیش از دو سوم قراردادهای و پیمانکاری های بزرگ اقتصادی در دست قرارگاه ها و شرکت های سپاه و یا بنیادهای ست که بیرون از حسابرسی دولتی و زیر نظر خامنه ای اداره می شوند. و این در حالیست که بنگاه های صنعتی اغلب با یک سوم و یک چهارم ظرفیت خود کار می کنند و بسیاری از آنها بر اثر تداوم رکود به ورشکستگی دچار خواهند شد. افزون بر بن بست های داخلی، روند پیوستن ایران به بازارهای سرمایه داری جهانی با تحمیل موازین نو-

لیبرالی و ریاضت های اقتصادی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی همراه خواهد بود و از هم اکنون نشانه های آنرا در قالب اقتصاد مقاومتی در برنامه ششم توسعه می توان مشاهده کرد.

این بحران همه جانبه، به رغم تعلیق و یا لغو تحریم های ناشی از فعالیت های هسته ای ایران، به دلیل سیاست اقتصادی دولت روحانی از یکسو و کاهش بهای نفت شدت بیشتری گرفته و فشار خردکننده ای را بر زندگی مردم وارد خواهد کرد. بحران اقتصادی ایران یک بحران کلان و ساختاری است و حل آن بدون تغییرات بنیادی در نظام حاکم که خود مستلزم گذار از نظم سیاسی کنونی است امکان پذیر نخواهد بود.

بحران محیط زیست نیز بر اثر کوردلی و کوتاه بینی حاکمان و مطامع اقتصادی وابستگان به قدرت ابعاد نگران کننده ای برای زندگی نسل های آینده پدید آورده است. ایران به عنوان دهمین کشور جهان در تولید گازهای گلخانه ای شناخته شده است. اغلب شهرهای ایران به آلوده ترین شهرهای جهان تبدیل شده اند. آلودگی هوا، از بین رفتن فاجعه بار منابع آبی، نابودی منابع طبیعی کشور، محصول سیاست های ویرانگر رژیم جمهوری اسلامی است. در برنامه ششم توسعه که اخیرا توسط روحانی ابلاغ شد حتی کلامی از محیط زیست به میان نیامده است. بیشترین آسیب های ناشی از تخریب محیط زیست به اقشار فقیر و محروم جامعه وارد می شود.

سیاست ها و تلاش های رژیم برای دستیابی پنهان به سلاح هسته ای در طول نزدیک به دو دهه، خسارات و هزینه های جبران ناپذیری به جامعه و مردم ایران تحمیل کرد. به رغم هیاهو ها و تبلیغات دروغین ارتجاع حاکم، امضای تسلیم نام برجام، نوشیدن تمام و کمال جام زهر هسته ای بود. سرکردگان رژیم که جز به حفظ نظام استبدادی و امنیت آن و چیرگی بر رقیبان در منطقه نمی اندیشیدند، بر اثر این سیاست ها کشور را به لب پرتگاه جنگ کشاندند و در حلقه محاصره تهدیدها و تحریم های روز افزون گرفتار کردند و سرانجام از بیم فروپاشی، زیر فشار تحریم های گسترده و تنگناهای اقتصادی، تسلیم شدند و شکست ننگین خود را پیروزی خواندند. در صورت التزام طرفین به تعهدات، راه های دستیابی نظام به سلاح هسته ای تا مدت ها بسته می شود، سایه جنگ از سر کشور دور می گردد، مردم از زیر بار و فشار تحریم های اقتصادی بیرون می آیند و مسابقه تسلیحاتی هسته ای در منطقه پرآشوب خاورمیانه کاهش می یابد. به این اعتبار، ما از شکست و عقب نشینی رژیم خرسندیم، زیرا که می تواند شرایط مساعدی برای مبارزات اعتراضی و حق طلبانه مردم ایران فراهم کند. اما مسئولیت سهمگین برباد دادن منابع ثروت کشور و سوق دادن جامعه به

سوی فقر و درماندگی و فلاکت بردوش حاکمیت ایران در تمامی جناح های آنست. ما که از آغاز مخالف دستیابی این رژیم سرکوبگر به سلاح هسته ای بودیم همچنان خواهان خلع سلاح هسته ای منطق می باشیم.

در روزهای آینده ایرانیان شاهد نمایش تازه ای از "انتخابات" در جمهوری اسلامی هستند. ویژگی انتخابات مجلس آینده مقارن بودن آن با انتخابات اعضای مجلس خبرگان است. مجلس خبرگان که بنا بر قانون تنها نهادیست که وظیفه تعیین رهبر و نظارت بر رهبری را دارد، با توجه به حساسیت نقش آن در آینده، به ویژه در تنازع بر سر جانشینی خامنه ای، محل جدال ها و تنش های سیاسی میان رقبای در حاکمیت شده است.

در آستانه انتخابات، وعده های دروغین روحانی و اصلاح طلبان حکومتی برملا شده است. مردم به عیان می بینند که انحصارگری های شورای نگهبان دست نشانده رهبر و کشاکش ها و سهم خواهی های فزاینده سپاه و باندهای واپسگرا در انتخابات پیش رو جز برای حفظ و گسترش قدرت و منابع ثروت میان جناح های شریک در حاکمیت نیست.

با نزدیک شدن به انتخابات مثل همیشه نیروهای اجتماعی و سیاسی حق طلب در درون کشور از فرصت استفاده می کنند و خواستار تحقق شرایط عادلانه برای مشارکت در مبارزه انتخاباتی می شوند.

این انتخابات نیز هم چون نظایر آن در جمهوری اسلامی انتخاباتی ساختگی و فرمایشی است. این نظام هر چهار سال یکبار شماری از نامزدهای دستچین شده و مورد تایید خود را در برابر مردم قرار می دهد تا با رای آنان به نظام بیدادگر خود در انظار عمومی مشروعیت ببخشد.

ما به این مضحکه انتخاباتی نه می گوئیم و خواهان تحریم آن هستیم. شرکت در این انتخابات را فرو افتادن مجدد به دام حاکمیت نظام استبدادی می دانیم. ما مدافع انتخاباتی آزاد و دموکراتیک هستیم. لازم انتخابات آزاد، از جمله آزادی مطبوعات، احزاب و اجتماعات است. این شرایط را چنانکه تجربه نشان داده نه اصلاح طلبان حکومتی و نه به طریق اولی "دولت تدبیر و امید" نمی توانند فراهم کنند. تحقق این شرایط در گرو رشد و گسترش مبارزه مردم و جنبش های اجتماعی، نافرمانی مدنی و برهم خوردن توازن قوا به نفع مردم است.

خواست ما این است که نظام بیدادگر جمهوری اسلامی به اراده مردم و به شیوه مسالمت آمیز برچیده شود؛ هر چند که کارنامه خشونت بار آن از وجود چنین ظرفیتی حکایت نمی کند (منشور سیاسی ج.ج.د.ل.ا. ۱۹ مه ۲۰۱۴ - ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۲)

مبارزات اجتماعی در ایران برای تغییر وضع موجود، برای رهایی از سلطه دین و استبداد و دستیابی به آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی و برابری، با فراز و نشیب و با وجود همه دشواری ها ادامه دارد. این مبارزات، زیر سرکوب شدید امنیتی و اوضاع سخت معیشتی و در پراکندگی نیروهای فعال اجتماعی صورت می گیرد.

در تحلیلی از وضعیت امروز مبارزات اجتماعی در ایران، می توان آن ها را در سه سطح اصلی تمیز داد:

- مبارزات زنان، دانشجویان و جامعه ی مدنی (قشرهای مدرن جامعه) که خواهان آزادی، دموکراسی و برابری و مخالف تبعیض های گوناگون اند.

- مبارزات و اعتصابات کارگران و زحمتکشان که علیه بیکاری، بی ثباتی شغلی، قراردادهای اسارت بار، شرایط سخت کار و سرکوب و برای افزایش دستمزد، عدالت اجتماعی و به ویژه برای آزادی ایجاد سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری مبارزه می کنند.

- مبارزات و اعتراضات در میان اقوام و ملیت های ایران که خواهان حقوق برابر در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اند.

این سه گونه مبارزات می توانند، در صورت رشد و اعتلای خود، در پیوند، همسویی و همکوشی با یکدیگر، به یک جنبش بزرگ اجتماعی برای فروپاشی رژیم بدل شوند.

ما وظیفه اصلی خود می دانیم که از مبارزات گوناگون مردم و از جنبش های اجتماعی برای تغییرات بنیادین در ایران پشتیبانی کنیم.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۲۱ فوریه ۲۰۱۶ - دوم اسفند ۱۳۹۴